

سوره قریش (۱۰۶)

ارتباط با سوره قبل

ارتباط این سوره با سوره فیل و پیوند مفاهیم و مضامین آنها بحدی است که حتی برخی از مفسرین این دو سوره را، همچون سوره های انشراح و ضحی، در حکم واحد گرفته توصیه کرده اند در نماز بدنبال هم خوانده شوند. به اعتقاد بعضی دیگر، کلمه «ایلاف» که در ابتدای سوره قریش آمده است، متعلق به یکی از افعال سوره فیل یا مضمون عمومی آن بوده چنین می رساند که با آنچه بر سر اصحاب فیل آمد، زمینه و مقدمه ایلاف قریش فراهم گردید. در هر حال هر دو سوره، مستقیم یا غیرمستقیم، بر محور موقعیت کعبه و قریش می گردد و نقش این خانه و پاسداران آنرا برای آینده نشان می دهد. از نظر تاریخی و جامعه شناسی چنین بنظر می رسد که شکست ناگهانی سپاه ابرهه و پراکنده شدن خبر آن در اطراف و اکناف، موجب بالا رفتن قدر و منزلت کعبه و مقام و موقعیت قریش گردید تا جائیکه از آن به بعد با زائران فراوانی که به آنسو سفر می کردند مرکزیتی استوارتر پیدا کرد و با امنیتی که به دلیل احترام آمیخته با خوف بوجود آمده بود، سفرهای تجارتي از میان قبائل غارتگر ممکن گردید و «الفتی» پدید آمد که قبلاً سابقه نداشت.

زمینه ساز چنین تحولی دست تدبیر و تربیت پروردگار است که نام او محور این دگرگونی و تحول بشمار میرود. جالب اینکه از میان نام های نیکوی خداوند، تنها نام «رب» در این دو سوره بکار رفته است تا «ربوبیت» او را در حفظ حریم و امنیت این خانه بخاطر «تربیت» انسانها و تألیف قلوب آنها نشان دهد:

سوره فیل: الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل

سوره قریش: فلیعبدوا رب هذا البیت

تحقق دعای حضرت ابراهیم (ع)

آنگاه که ابراهیم خلیل (ع) به کمک فرزندش اسمعیل (ع) پایه‌های خانه را بالا می‌برد، زیر لب زمزمه و دعائی برای امنیت و آبادانی حریمی که به آن دلبسته بود ترنم می‌کرد، تا در سایه آن دل‌های مردمی جذب این کانون توحیدی گردد و از شرک و اوهام و تاریکی‌های جهالت نجات یابند. این آرزو که مبتنی بر دو شرط امنیت و آبادانی (رزق) بود، از زبان ابراهیم در قرآن بدینگونه نقل شده است:

و اذ قال ابراهیم ربّ اجعل هذا بلداً آمناً وارزق اهلہ من الثمرات...^۱

سرزمینی که ابراهیم این خانه را در آن تجدید بنا می‌کند^۲، به تعبیر قرآن، «واد غیرذی زرع» (وادی بدون استعداد و آمادگی برای زراعت) می‌باشد. در چنین شرایطی که نامساعد برای کشاورزی و دامداری می‌باشد، مردمی در متن سختی و مشقت و در منتهای فقر و محرومیت در قبائل پراکنده و دور، و دشمن با یکدیگر زندگی می‌کردند و دائماً با تجاوز به سرزمین‌های مجاور به قتل و غارت می‌پرداختند. در طبیعت سرکش چنین مردمی که به دلایل محیطی در توحش و بدویت باقی مانده بودند، زمینه‌ای برای تألیف قلوب و مهر و محبت وجود نداشت، اما با تجدید بنای این خانه به دست ابراهیم و فرزندش و دعای آنحضرت برای جذب دل‌های مردم بسوی ذریه‌اش که پاسداران خانه و ارزش‌های توحیدی آن بودند^۳، به تدریج چنین آرزویی برآورده شد و زمینه‌های الفت و مؤانست (بجای توحش و تنفر) فراهم گردید و مردمانی در شعاع انوار هدایت این چراغ خدائی به یکدیگر پیوند خوردند.

حادثه‌ای که مقارن با تولد کامل‌ترین ذریه ابراهیم که کامل‌کننده شریعت او و منتهای آرزویش بود^۴، با نابودی متجاوزین به حرم امن الهی (اصحاب فیل) خاتمه یافت و بر موقعیت و مرکزیت این خانه بیش از پیش افزود و زمینه‌های بیشتری برای ایجاد الفت میان مردم ریمیده بی‌رحم و عاطفه فراهم ساخت.

گویا اشاره انتهای سوره قریش به اطعام از گرسنگی و ایمنی از خوف (الذی اطعمهم

۱. آیه ۱۲۶ سوره بقره که با مختصری تفاوت در آیه ۳۵ سوره ابراهیم نیز تکرار شده است.

۲. از آیه: اذبؤانا لابرہیم مکان البیت، و آیه: اذیرفع ابراهیم القواعد من البیت، فهمیده می‌شود که این خانه سابقه‌ای از گذشته داشته است

۳. سوره ابراهیم آیه ۳۷ - ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیرذی زرع عندبیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوۃ فاجعل افئدۃ من الناس تہوی الیہم و ارزقہم من الثمرات لعلہم یشکرون

۴. ربنا و ابعث فیہم رسولا منهم یتلوا علیہم آیاتک و یعلمہم الکتاب و الحکمۃ و یرزقہم انکانت العزیز الحکیم.

من جوع و امنهم من خوف) اجابت همان دعای بنیانگذار اولیه خانه باشد که رزق و امنیت را برای اهل آن آرزو کرده بود.

در دعاهاى حضرت ابراهيم، در ارتباط با این خانه، همواره نام «رب» (بجای الله) تکرار شده است^۱. در این دو سوره نیز عنایت خاصی به نام «رب» شده است (الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل - فلیعبدوا رب هذا البیت). همانطور که گفته شد تدبیر حکیمانه پروردگار چنین اقتضا می کرد که در سایه «ربوبیت» او و در پناه حریم امنی که قرار داده، مردمانی بی فرهنگ و ایمان و ادب، «تربیت» شوند و با سرمایه صفات مثبتی همچون غیرت، سخاوت، مروت، شجاعت، صراحت و... که از زندگی در شرایط سخت صحرا با فقر و محرومیت آن کسب کرده اند، الفت یابند و با آزاد شدن از بند شرک و اوهام، پیام آور و مبلغ چنان رسالتی برای دیگر بندگان گردند.

حال که خداوند چنین مردمی را از گرسنگی سخت و جانفرسا و ناامنی عمومی در سایه پربرکت این «بیت» نجات داده است، تا جائیکه می توانند در زمستان و تابستان برای تجارت به شرق و غرب عربستان آزادانه سفر کنند^۲، جا دارد که به «ربوبیت» او (نه ارباب متفرق دنیائی) گردن نهند^۳ و نسبت به او تسلیم و تعبد داشته باشند (فلیعبدوا رب هذا البیت).

آیا در این زمان از مسلمانان بطور اعم و از متولیان این خانه که بر ولایت ابرقدرتها گردن نهاده اند، بطور اخص چنین انتظاری نمی رود؟!.

۱. رب اجعل هذا بلدأمتنا، رب انهن اضللن کثیراً من الناس، رب اجعلنی مقیم الصلوة، ربنا انک تعلم ما نخفی و مانعلن، ربنا اغفر لی ولوالدی...

۲. به گفته مفسرین، قریش در زمستان بسوی یمن و در تابستان بسوی شام (در غرب) کاروانهای تجارتی خویش را گسیل می داشته است.

۳. باید توجه داشت که مشرکین معاصر پیامبر، همچون مشرکین معاصر سایر انبیاء، منکر «الله» نبودند، بلکه ربوبیت و رحمانیت را انکار می کردند